خطبه‌های نماز عید فطر ماه رمضان ۱۴۴۲؛ ۲۲ اریبهشت ۱۴۰۰

خطبۀ نخست

بسم الله الرحمن الرحیم

بندگان خدا، خودم و شما را به تقوا سفارش می‌کنم، خدا را مراعات کنیم و از قلب خودمان مراقبت کنیم و شیطان و نفسانیت را از خودمان و کارهای خودمان دور کنیم.

یوم الجوائز

روز عید فطر را «یوم الجوائز» نامیده‌اند. امام باقر سلام الله علیه از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند که فرمودند:

«إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَوَّالٍ نَادَى مُنَادٍ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ اغْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ»

«هنگامی که روز اول ماه شوال [عید سعید فطر] فرا می‌رسد، نداکننده ندا می‌دهد:

ای مومنان! برای جایزه‌ها و پاداش‌های خود بشتابید!»

«ثُمَّ قَالَ يَا جَابِرُ جَوَائِزُ اللَّهِ لَيْسَتْ بِجَوَائِزِ هَؤُلَاءِ الْمُلُوكِ»

«ثُمَّ قَالَ هُوَ يَوْمُ‏ الْجَوَائِز» [الکافی: 4/168]

«آن‌گام امام علیه السلام فرمودند: ای جابر! جایزه‌های خدا همانند جایزه‌ها و پاداش‌های پادشاهان نیست. [بلکه اصلاً قابل مقایسه نیست؛ خدای تعالی حیات طیبه می‌بخشد]»

«سپس فرمودند: عید فطر روز پاداش‌ها و جایزه‌هاست.»

عبادت تشریف نه تکلیف

حقیقت آن است که عبادت، تشریف است نه تکلیف. از نظر افراد عادی و بی‌معرفتی چون حقیر، روزه‌های ماه رمضان، تکلیف و سختی و مشقت است، اما از نگاه اهل معرفت، ماه رمضان و روزۀ در آن، تشریف است که خدای تعالی به ما شرافت بخشید و به مهمانی مخصوص خود دعوت فرمود. و پایان این مهمانی را هم همراه کرده است، با پاداش‌ها و جوایز بسیار.

خدای متعال به استحقاق نمی‌بخشد. بلکه به‌‌رایگان و مفتکی [بقول مرحوم آمیز علی آقا تهراتی] می‌بخشد و پاداش هم در مقابل عمل نیست، بلکه بخشش برای پایان مهمانی است.

از خدای تعالی می‌خواهیم که پاداش ما، بخشش همۀ گناهان و دربندبودن شیطان تا پایان عمر ما و توفیق در جهت خدمت به اسلام و مسلمین باشد، و البته پاداش اصلی هم ظهور پرسرور حضرت ولی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

خطبۀ دوم

حضور آگاهانه در انتخابات

از مصادیق تقوا؛ آن‌هم تقوای جمعی که در پیش داریم و سرنوشت آیندۀ ما هم به آن بستگی دارد، حضور آگاهانه در انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری و شوراهای شهر و روستاست.

البته فکر می‌کنم که در آینده باید قانون انتخابات اصلاح شود و انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها ازهم تفکیک شود. اما بحث ما برای ۲۸ خرداد سال‌جاری است.

رویکرد تحولی به مدیریت

ما در گام دوم انقلاب اسلامی، نیاز داریم که در نگاه کلان خود و مدیریت کلان کشور نگاه تحول‌آفرین داشته باشیم. متأسفانه حال مدیریت کلان کشور، هم‌چنین مدیریت شهری و روستایی ما خوب نیست و نمی‌توانیم آن را انکار کنیم و برای این‌کار نیاز است که

اولاً نگاه نادرست حاکم ـ رعیتی منسوخ شود

و ثانیاً مردم، دولت و حکومت و جامعه ـ اعم از جامعۀ شهری و روستا و کشور ـ را از خودمان بدانند و باورشان بشود که همۀ ما مسئول هستیم.

اگر می‌خواهیم توحید در بطن و متن دولت و سیاست و جامعه تحقق یابد، و اگر می‌خواهیم کرامت انسانی به معنای واقعی کلمه در کشور ما پیاده شود.

و اگر می‌خواهیم عدالت اجتماعی در اقتصاد و اجتماع و سیاست و قضا و داوری کشور نهادینه شود، راهش تحول در نگاه به حکم‌رانی و حضور آگاهانه و حداکثری در همۀ صحنه‌ها از جمله انتخابات پیش‌رو است.

اول باید باورمان بشود که ما برای پیشرفت و حل معضلات ـ به ویژه اقتصادی و سیاسی ـ که در کشور است، هم‌چنین تداوم موفقیت‌های با سرعت و گسترش بیشتر؛ و جبران عقب‌ماندگی‌ها در حوزه‌های مختلف به ویژه اقتصاد و معیشت و عدالت و آسیب‌های اجتماعی ـ که مشکلات مزمن و جدی است ـ باید حرکت تحولی داشته باشیم و از غفلتی که در طول زمان گریبان‌گیر همگی ما شده است، بیدار شویم و به آرمان‌ها و ارکان و اهداف انقلاب اسلامی باز گردیم. و در مرحلۀ بعدی حرکت کنیم، آن‌هم حرکتی تحولی و آگاهانه!

ظرفیت‌های ما کم نیست، فرصت‌های پیش‌روی ملت ما هم بسیار است، اما خسارت کجاست؟ در مدیریت فشل و خسارت‌بار و غرب‌زده است که بر ارکان این کشو حاکم شده است که فرصت‌های را سوخت می‌کند و ظرفیت‌ها را هم معطل می‌کند.

آری ما برای مدیریت کشور «مرد میدان» می‌خواهیم، تا با روحیۀ انقلابی، مردمی، ابتکار، شجاعت، و با عزم جدی، فعال، امیدوارانه، عاقلانه و مدبرانه و برپایۀ اسلام عزیز و رهبری رهبر حکیم ما و با نگاه به داخل و توان جوانان انقلابی و متدین کشور، نه خارج و غرب ـ که هرچه خسارت است از این نگاه ناامیدکننده است ـ حرکت تحولی در جهت پیشرفت و عدالت به پیش بگیرد.

و این وظیفه و تکلیف ماست که به کسی رأی بدهیم که مظهر تحول‌خواهی، انقلابی‌گری، عدالت‌خواهی، ضدیت با فساد، و کارآمدی باشد. و در شوراها هم به دنبال چنین افرادی با شاخص‌های مذکور باشیم تا هم مدیریت کلان کشور اصلاح شود، و هم مدیریت‌های شهری و روستایی.

 آری ما نیازی به مدیرانی با روحیۀ اشرافی، لیبرالی، رو به غرب نداریم؛ آن‌ها را آزمودیم و جز خسارت عایدمان نشد! ما نیازمند دولتی انقلابی، تحول‌گرا، کارآمد، مردمی، عدالت‌خواه، ضدفساد هستیم.

حرکت کنیم، خدای تعالی یاور ما خواهد بود که فرمود: «وَ كانَ حَقًّا عَلَيْنا نَصْرُ الْمُؤْمِنِين» [روم: 47]